



آب

سروراستار متن انگلیسی
جان ل. اسپوزیتو

ترجمه و تحقیق و تملیق
زیر نظر

حسن طارمی، محمد دشتی، مهدی دشتی



نشر کتاب مرجع



نشر کوه

تهران ۱۳۸۸



فہرست مکتوبات اور مباحث

الف- متبادل یابی، تنظیم و توضیح مدخل ہا
نگار نادری

ب- ترجمہ مقالات

محمد فاطمیان	یوسف آبادری
مہدی فاطمیان	مہدی افشار
مراد فرہاد پور	محمد باقری
سید مجید قافلہ بائی	ولی اللہ بزرگر کلپشی
حمیدہ کوکب	سعید پیشداد
سید علی مرتضویان	محمد تقی زادہ
سیدہ معتمدی	صمد چینی فروشان
مجتبی منشی زادہ	علی اصغر خندان
افسانہ منفرد	ہن خوش چین گل
سید حسین میرجلیلی	شہناز رازیوش
نگار نادری	محمد رفیعی مہر آبادی
محمد جواد ناطق پور	محمد علی صالحی
سید عباس ہاشمی	حسن طارمی راد
محمد منصور ہاشمی	ہدایت علوی تیار
ایلا ہوشنگی	علی فاطمیان

ج- مقابلہ ترجمہ و ویرایش

سیدہ معتمدی
مجتبی منشی زادہ

د- ویرایش علمی، تحقیق و تعلق (ہیئت ویراستاری)

حسن طارمی راد
محمد دشتی
مہدی دشتی

ه- ترجمہ کتابشناسی

مستورہ خضرائی

و- گزینش و آمادہ سازی تصاویر

معصومہ میر سعیدی

ز- ضبط اعلام

کبری محمدی تکیہ

ح- امور هنری

مسعود نجابتی (طراح گرافیک)	علی لبافی (بازبینی فنی و اجرای هنری)
----------------------------	--------------------------------------

ط- آمادہ سازی فنی

سہیلا اسدی باہر (صفحہ آرا)	اکرم رشیدی (نمونہ خوان و ویراستار فنی)
مہناز خلیج اسماعیلی (نمونہ خوان)	اعظم رمضانپور سبحانی (حروف نگار)
فریروز رسولی (پیگری حروف نگاری)	

ی- امور اجرایی

سید مصطفی سیفی	وحید وکیل
----------------	-----------

2. Albert Hourani, *Arabic Thought in the Liberal Age, 1798-1939*. London 1962.

> تفکر عربی در عصر آزادی، ۱۷۹۸-۱۹۳۹ <

3. Kerr, Malcolm H. *Islamic Reform: The Political and Legal Theories of Muhammad Abdik and Rashid Rida*, Berkeley 1966.

> اصلاحات اسلامی: فرضیه‌های حقوقی و سیاسی محمد عبده و رشیدرضا <

4. Levtzion, Nehemis, and John Obert Voll, eds. *Eighteenth-Century Renewal and Reform in Islam*, Syracuse, N.Y., 1987.

> اصلاحات و تجدید حیات اسلام در قرن هجدهم <

5. Merad, 'Ali. *Le réformisme musulman en Algérie de 1925 à 1940*, Paris 1967.

> اصلاح اسلامی در الجزایر، ۱۹۲۵-۱۹۴۰ <

6. Voll, John Obert. *Islam, Continuity, and Change in the Modern World*. 2d ed. Syracuse, N.Y., 1994.

> اسلام، تداوم و تحول در دنیای نوین کنونی <

اصناف ابن خلیل

اصناف؛ زمانی به شیوه‌های مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات شهرهای عربی (اسلامی) ایفا می‌کردند؛ از لحاظ اقتصادی، تولید و تجارت را کنترل می‌کردند؛ از لحاظ اجتماعی، چارچوبی را برای جمعیت فعال (که باید گفت، بیشتر جمعیت بودند به استثنای طبقه حاکم، که معمولاً توسط بیگانگان به حاکمیت می‌رسیدند) فراهم می‌کردند؛ و سرانجام در غیاب مؤسسات شهری تخصصی، اصناف از عواملی بودند که به شهرها امکان فعالیت می‌دادند.

با در نظر گرفتن عوامل یاد شده، شایان توجه است که هیچ معادل عربی برای کلمه "guild" وجود ندارد؛ معرفی و صنف عملاً به معنای داد و ستد و اصطلاح طایفه (جمع: طوایف) که غالباً برای اشاره به اصناف به کار برده شده است، در معنای وسیعتری دلالت بر یک جامعه یا هر نوع گروه (خصوصاً گروه‌های ملی یا مذهبی)

طایفان، متفکران اصلاح طلب از انتقاد نسبت به طوایف باورها و مناسک دینی که در دوران آنها در میان جوامع اسلامی رواج کامل داشت، درنگ نکردند. در واقع اصلاح طلبی اسلامی در ره‌بانش در واپس‌زدن آنچه که بدعت خوانده می‌شود، اصرار ورزید. این بدعتها کنار گذاشته شدند، زیرا آنها به عنوان [آموزی] که با مصالح امت و آموزشهای قرآن و حدیث، نامازگار می‌باشند تلقی شدند.

اهمیت دیگر فکر اصلاح طلبی اسلامی، پیوسته اینچنانکه توسط عبده و مریدان بی‌واسطه‌اش ارائه گردید، در شناساندن برجستگی نقش خود در زندگی دین‌باوران بود. تأکید همسان بر اصلاح نظامهای آموزش و پرورش، مشتمل بر تعلیم و تربیت مذهبی سنتی - آنچنانکه سنت‌گرایی افراطی دانشگاه ازهر ارائه می‌کرد - و بهبود موقعیت زنان در جامعه، بود.

هیچ اجماع نظری در میان مسلمانان برای تعریف صحیحی از اصلاح در مضامین متون اسلامی، وجود ندارد. هر جنبش مذهبی مدعی عنوان یا بر حسب اصلاح‌خواهی برای خویش است که خود مبتنی است بر دریافت و یا فهم «اصلاح» در مفهوم قرآنی آن. بر اساس برخی دیدگاهها، جنبش سنتی افراطی و هابیت به عنوان [جنبش] اصلاح طلبی مورد توجه واقع گردید، زیرا به شدت مشتاق آن بود تا مذهب را از تأثیرات مضر بدعتها خالص گرداند و برای بازگشت به سادگی اصیل اسلام اولیه دعوت کند. عنصر آخری اصول و هابیت، یعنی بازگشت به سادگی اصیل اسلام اولیه توسط بسیاری از متفکران اسلامی پذیرفته شده است هرچند که آنها ممکن است بر سر تعریف «سادگی» اسلام اولیه با هم توافق نداشته باشند. [به بدعت؛ بنیادگرایی؛ اجتهاد؛ احیا و تجدید و هابیت.]

منابع:

1. Esposito, John L. *Islam and Politics* 3d ed. Syracuse, N.Y., 1991.

می‌نمایند. فقدان شگفت‌آور یک معادل دقیق برای "guild" ممکن است در نتیجه ظهور دیر هنگام اصناف در جهان عرب باشد. نظریه لویی ماسینون^۱ در باره منشأ اسلامی، و خصوصاً اسماعیلی اصناف در قرن سوم (چاپ ۱۹۲۰م) که برنارد لویس^۲ در مقاله‌اش با عنوان «اصناف اسلامی»^۳ (چاپ ۱۹۳۷م) نظم کلاسیکی به آن داد، مورد استفاده کلود کاسن^۴ و ساموئل استرن^۵ در کتاب *شهر اسلامی*^۶ (چاپ ۱۹۷۰م) قرار گرفته است. این دو نویسنده معتقدند که اصناف حقیقی صرفاً در دوره عثمانی یا به حوضه وجود نماندند. در آناتولی، سازمانهای حرفه‌ای یا لحن شدیداً مذهبی در قرن هشتم/چهاردهم ظهور یافتند و شامل انصوان (بسرادران) و نستیان (جوانوران) می‌شدند که توسط ابن بطوطه به تفصیل توصیف گردیده‌اند (مسفرنامه ابن بطوطه، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۶۵)؛ فعالیت آنها حاکی از آیین صنفی فتوت بود. هرچند این دیدگاه تجدیدنظر طلب، ممکن است بسیار انزطاطی باشد. گزارشهای متعددی وجود دارد که بر وجود گروههای حرفه‌ای (جماعه) گواهی می‌دهد که توسط شیخها رهبری و توسط محاسبها دقیقاً پیش از پیروزی امپراتوری عثمانی اداره می‌شد. این اصناف خصوصاً در اندلس، جایی که جسیبه (نظارت بر اخلاقیات عمومی) بخوبی سازماندهی شده بود، فعال بودند. در واقع سازماندهی اصناف در تونس به اهالی اندلس که در قرن دهم/ شانزدهم به شمال آفریقا مهاجرت نمودند، نسبت داده می‌شود. از قرن دهم/ شانزدهم تا قرن سیزدهم/ نوزدهم، اصناف پیرامون تجارت و بازرگانی و همچنین فعالیتهای پیشه‌وری، متشکل شده بودند: بازارهای شهری شامل بازارهایی که توسط بازرگانان (تجار) عمده ادویه و پارچه دایر بود، بخشی از نظام صنفی بودند. حتی مشاغل غیر آبرومند، اصناف خودشان را داشتند: دزدان ظاهراً صنفی داشتند.

به طور طبیعی، تعداد اصناف در شهرهای مختلف، بر طبق اقتصاد محلی و حرفه‌ها تغییر می‌کرد. طبق برخی برآوردهای غیر قابل قبول اولیساچلیس، سیاحت ترک قرن

یازدهم/ هفدهم، استانبول دارای ۱۶۰۹ صنف بوده است (Mantran, 1962). ارقام واتمیر تخمیناً دلالت بر ۲۵۰ صنف در قاهره، ۱۶۰ صنف در حلب، ۸۰ صنف در تونس و ۴۰ صنف در الجزایر دارد. تعداد اصناف می‌توانست تغییر کند: اصناف حوضه با رشد شهر و افزایش تعداد بازارها ایجاد می‌شدند (۸ صنف دلال یا «دلالین» در قاهره)؛ اصناف فنی، تقسیم کار را منعکس می‌نمودند (۵ صنف رنگرزی بر طبق رنگها و مواد مورد استفاده متشکل شده بودند). هرگاه فعالیت یا محصول جدیدی پدیدار می‌گردید، صنف جدیدی ایجاد می‌شد (۸ صنف تباکوفروشی و لوله‌ساز نیز در قاهره وجود داشت)؛ که حاکی از آن است که این نظام به آن انعطاف‌ناپذیری که برخی ادعا نموده‌اند، نبوده است.

به طور کلی، در داخل شهر اصناف از لحاظ جغرافیایی مشخص می‌شدند، همانطور که حرفه‌ها در مناطق کاملاً مشخص شده‌ای (محلات، خیابانها) دسته‌بندی می‌شدند. ازینرو، یک صنف نه تنها به یک شغل بلکه همچنین به یک منطقه شهری مشخص نیز مربوط بود.

روشن است که اصناف دارای ساختار سلسله مراتبی بودند، هرچند جزئیات دقیقتر در باره جنبه‌های خاص آن در دست نیست. سلسله مراتبی که می‌دانیم چنین است: نوآموز (مبتدی)؛ در ترکی: چیرک، کارگر مزدبگیر یا صنعتگر (صانع)؛ در ترکی: کالفا [خلیفه]؛ استاد (معلم)؛ در ترکی: اوستا، ولی اطلاعات مربوط به معیار مشخص برای ارتقای رتبه‌ها اندک است. برای مثال در باره آزمونها یا خلق اثری استادانه، که مصوبی را مجاز به انجام حرفه‌اش می‌کرد، اطلاعات بسیار اندکی در دسترس است. ریاست اصناف به عهده شیخ (در خاور نزدیک) یا امین (در مغرب) بود، که توسط اعضای صنف انتخاب شده و توسط مقامات مرکزی یا محلی مورد تأیید قرار می‌گرفت (همانطور که شیوه‌های انتصاب [رئیس صنف] در استانبول شاهدهی بر این مدعا است). به نظر می‌رسد در موارد خاصی که عسائلی در تعیین شیخ یا امین توسط

1. Louis Massignon

2. Bernard Lewis

3. The Islamic Guilds

4. Claude Cahen

5. Samuel Stern

اصناف یاد شده (تنها ۷۵ صنف) از طریق پیروها به پیامبر پیوند داده می‌شوند: *صلی علیه‌السلام* توسط حضرت محمد *صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم* طی تشریفات ویژه به حضرت علی در آمد. حضرت علی نیز هفده پیر را به عضویت در آورد، و سپس سلمان فارسی (صحابی پیامبر و «پیر» مسلمانها) در میان پیروهای سایر اصناف غیر اقتصادی (مؤذنها، علمداران) و اصناف غیر سنتی (قهوه [قروش] ذکر شده است ولی از تنباکو [قروش] ذکر می‌شود) میان نیامده است) سوگند یاد کرد که به این طریق نشان می‌دهد که این آیینها مدتی بعد تضح گرفتند. کتابهای سنت، انتقال سنت از حضرت آدم تا محمد *صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*، *صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم* و پیروها را توصیف می‌کنند و همچنین آیین آغاز به کار شیخها را که شامل مجموعه‌ای از پرسشها و پاسخها بود که صرفاً نشان‌دهنده مطالب مربوط به تهذیب اخلاقی و امور مذهبی بود. نقش مهم ایفا شده توسط علی علیه‌السلام و ماهیت شیعی این آیین خصوصاً قابل توجه است (ازینرو مبین نظریه ماسینون درباره سرچشمه‌های اصناف است).

آیین شد (که شامل گره زدن تعداد متفیری از گره‌ها بر طبق رتبه عضو) و تشریفات مربوطه در منابع غیر از کتابهای فتوت، با ارائه شواهد آورده شده است. فراخوانی برای یک نشست توسط شیخ صنف (از طریق نقیب) داده می‌شد، که طی آن فرد تازه وارد کمربندی دریافت می‌کرد که دارای ۳ تا ۷ گره بود؛ متعاقب آن تعداد سمی از صنعتگران استادکار، در صرف غذا (ولیمه) شرکت می‌کردند. دست‌کم چند صنف جشنهایی به افتخار پیرشان یا زاهدی که دارای احترام خاص بود، برگزار می‌کردند.

در قاهره اصناف به‌طور فعال در مراسم و رویت هلال مشارکت می‌نمودند که در آستانه رمضان در گردهمایی «مسحوب» مستعد می‌گردید و فرصتی برای مرور فعالیتهای صنف یا به نمایش گذاردن مشاغل اصلی بود. این سنت، با تغییرات عمده، به شکل دسته سواران در قاهره تا دهه ۱۳۳۰ ش/ ۱۹۵۰ م ادامه یافت. اصناف در

همتابان وی بروز می‌کرد. مقامات مداخله می‌نمودند. دستیابی به عنوان شیخ به احتمال زیاد به تالیتهای اخلاقی و حرفه‌ای نامزد بستگی داشت، همچنانکه به شهرت و اعتبار خانوادگی وی نیز وابسته بود. این امر غیرمتداولی نبود که عنوان در یک خانواده به ارث برسد، به‌ویژه شیبه به عمل ستادول ارث بردن مثل پدر توسط پسرش، دستیاران مختلف شیخ یا امین شامل نقیب و کسب‌خدا می‌شدند. پیرترین و محترمترین استادکاران (اختیاریه)، نقیگانی را تشکیل می‌دادند که شیخ غالباً از میان آنها مشاور و پشتیبانی می‌طلبید.

در شهرهای متعدده اصناف شهری یا در «عززه قضایی» «شیخ‌المشایخ» قرار داشتند مانند: دمشق (قدسی، ۱۸۸۵م؛ راتق، ۱۹۹۱م) یا مانند الجزیره تحت حوزه قضایی «امین‌الامناء» بودند (تواتی، ۱۹۸۷م). هرچند این نقش بیشتر حالت تشریفاتی داشت تا حرفه‌ای یا اداری.

در تونس، اندلسها که صنف شواشی (کلاه‌ساز) را در اختیار داشتند، در کنترل تمامی نظام سنتی موفق بودند. امین شواشی، «امین‌التجاری» و رئیس دادگاه تجاری (شامل ۱۰ عضو که ۸ عضو آن اندلسی بودند) نیز بود.

آیینهای مذهبی در میان اصناف، مشخص نواحی شرقی جهان عرب و مسلمانان است. هرچند کار کردن در اصناف در جو کاملاً مذهبی انجام می‌گرفت (تواتی، ۱۹۸۷م)، ولی به نظر نمی‌آید که اصناف در مغرب، این آیینهای مذهبی را بخودی خود پذیرفته باشند. اسنادی حاکی از وجود آیین جمعی (فتوت، اصطلاحی که ریشه لغوی آن دلالت بر «جوانمردی» دارد ولی در تعریف محدودتر اشاره به زندگی درون حرفه‌ها و مسائل جهانی آنها دارد؛ سه کاهن، ۱۹۷۰م) در دمشق (قدسی، ۱۸۸۵م) و قاهره (باثر، ۱۹۶۴م؛ ریموند، ۱۹۷۴م) ثابت شده است که ممکن است سرچشمه آن در آناطولی ترکیه باشد (س). این بطورطه، کتابهای فتوت تصویری شبیه به آنچه در سیاحتنامه اولیاچلیبی در حدود اواسط قرن یازدهم/ هجدهم شرح داده است، به‌سخت می‌دهند؛ آیینهای مشابهی در آسیای مرکزی یافت شده است (گاوریلوف، ۱۹۲۸م).

بسیاری از جشن‌های دسته‌جمعی مشارکت داشتند و هلال‌متها، پرچمها، ابزارها و آلات، موسیقی تخت روانهای خود را به نمایش می‌گذاشتند.

نقشه‌های کاملاً مختلفی که اصناف در شهرهای عربی ایفا می‌کردند مشهورند و بنابراین به‌طور خلاصه در اینجا بیان نخواهد شد. مشارکت آنها در حوزه اقتصادی شامل: تنظیم تولید کالاها، رعایت قوانین اخلاقی حرفه‌ای، نظارت بر قیمت‌ها، خصوصاً در دوره‌های بحران، حفظ روابط خوب میان اعضا، و عرضه نیروی کار بود. اصناف، شرایط ورود به یک صنف را به وسیله گدیک (پروانه حرفه‌ای) تعیین می‌کردند؛ این شرایط متعدد در به ارث رسیدن حرفه مساعدت می‌نمود. هرچند اصناف احتمالاً در رکود فنی که ویژگی کشورهای عربی این دوره بود، مهم نبودند، ولی ایجاد اصناف بر اساس پیدایش تولیدات جدید (قهوه، تنباک) دلالت بر ظرفیت معینی برای رشد نظام معینی داشت. نقش مدیریتی اصناف در این زمینه اهمیت کمتری نداشت: اصناف ارتباط میان بازرگانان و مقامات را برقرار می‌کردند؛ ازینرو کار اداره جمعیت شاغل شهری تا حد زیادی تسهیل می‌گردید. به‌عنوان مثال مالیاتها بر مبنای فهرستهای تهیه شده توسط شیخهای هر صنف وضع می‌گردید. اصناف در حوزه اقتصادی که فعالیت داشتند در مدیریت شهر کمک می‌کردند و بی‌تردید در حفظ نظم شهر نیز مساعدت می‌نمودند. ازینرو اصناف نمایانگر مکانیزم شهری ضروری در شهری بودند که فاقد ساختار اداری واقعی بود. با سازماندهی جمعیت شاغل بر طبق «حرفه‌ها»، اصناف به‌تدریج کارها در تبادل اجتماعی مهم بودند.

قرن سیزدهم/ نوزدهم شاهد اصول تدریجی و زوال بومی اصناف بود. هرچند این واقعه نسبتاً کند بود، حتی در کشورهای مستأثر از نوسازی ناگهانی نهادها و اقتصادشان، به‌عنوان مثال مصر (آغاز نوسازی) در ۱۲۲۰ ق/ ۱۸۰۵ م در زمان محمدعلی، اصناف تا دهه ۱۲۹۰ ق/ ۱۸۷۰ م زمینه فعالیت خود را به‌طور کامل از دست ندادند. در آماده‌سازی قاهره برای تبدیل آن به یک شهر امروزی «الهی‌باشا مبارک» جهت ایجاد چهارچوبی

بسیاری برنامه توسعه شهری که محدوداً اسماهیل در ۱۲۸۵ ق آنها را از نظر مسأله تأمین کرد، به اصناف ساختمانی متکی بود.

اگر بخواهیم به‌طور کلی صحبت کنیم، اصناف سنتی در نتیجه تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری در کشورهایی که مستعمل تغییرات داخلی و خارجی می‌شدند و نه به خاطر تصمیمهای اداری، از بین رفتند.

تحولات اقتصادی در کشورهای عربی از قرن نوزدهم به بعد (تیباً در اواسط قرن هجدهم ظاهر گردیدند) مهمترین تأثیر را داشت. مشاغل پیشه‌وری که سابقاً موفق بودند، یا نفوذ شدید اروپاییان در بازارها به‌سختی ضربه خوردند. و سرانجام نابرد شدند. این موضوع برای تولید و تجارت متسوجات صادق بود که در قرن هجدهم رشد کرده بود، ولی به هیچ وجه نتوانست با محصولات اروپایی رقابت کند. در دمشق محصولات تولید خارج و شدهای اروپایی، به‌صورت هتجار در آمد (رافق، ۱۹۹۱ م). پیشه‌وران محلی مستایع جنوب و مس که ابزارهای کار روزمره را تولید می‌کردند با ورود کالاهای نرین اروپایی سدمه دیدند. تجارت سنتی مبتنی بر کاروان جهت حمل و نقل کالاها نیز قربانی وسایل جدید حمل و نقل وارد شده از اروپا شد. فنون جدید و ورود ماشین‌آلات دارای اثرات مشابهی بر پیشه‌وری محلی داشت. تقریباً با اطمینان می‌توان اظهار داشت که تلاشهای محمدعلی پاشا جهت صنعتی کردن مصر در انقراض تولیدات سنتی و محلی این کشور سهمیم بوده است. فنون تولیدی جدید به تقلید از اروپا به‌طور طبیعی خارج از نظام صنعتی سنتی توسعه یافت.

در نتیجه گسترش شورنشینی که از ۱۲۶۶ ق/ ۱۸۵۰ م بر کشورهای عربی تأثیر گذاشت، شهرها شاهد هجوم ساکنان مناطق روستایی بود که متعلق به اصناف نبودند و بنابراین فعالیت آنها منوط به شرایط معین ورود نبود که توسط اصناف جهت انجام فعالیت بازرگانی تنظیم شده بود. ازینرو درصد روزافزونی از جمعیت شاغل زیر نظارت اصناف نبودند. در ۱۳۰۶ ش/ ۱۹۲۷ م تنها ۱۰٪ از جمعیت پیشه‌ور دمشق متعلق به اصناف سنتی بودند

۱. [خدیبو لقب عمرمی حکام مصر از ۱۲۲۰ تا ۱۲۷۱ ق بوده است]

شیخ محمد شریکس منتشر نمود که در آن به توصیف صنف مسگران که رئیس آن بوده، پرداخته بود. اما پس از آن ادامه شیبات، اصناف برای مدت مدیری متوقف ماند. با اطمینان نمی توان اظهار داشت که اصول تدریجی اصناف یا ظهور اتحادیه های کارگری نوین همزمان بوده است. به عنوان مثال هنگامی که منشأ اتحادیه های کارگری در عماد موریه مورد پژوهش قرار گرفت (گالمیر، ۱۹۳۲م) روشن شد که این دو پدیده اصول اصناف و ظهور اتحادیه های کارگری کاملاً بی ارتباط با یکدیگرند [تیز سه بازار؟ فتوت].

منابع:

1. Baer, Gibril. *Egyptian Guilds in Modern Times*. Jerusalem 1964.
2. Baer, Gibril. "The Organization of Labour", In *Handbuch der Orientalistik*, vol. 6, pp. 31-52. Leiden 1977.
3. Cahen, Claude. "Y a-t-il eu des corporations professionnelles dans le monde musulman classique?" In *The Islamic City*, edited by Albert Hourani and S. M. Stern, pp. 51-63. Oxford 1970.
4. Gaulmier, Jean. "Notes sur le Mouvement syndicaliste à Hama". *Revue des Études Islamiques* 6.2 (1932): 95-125.
5. Gavrilov, Michel. "Les corps de métiers en Asie Centrale et leurs statuts (rissala)". *Revue des Études Islamiques* 2.2 (1928): 209-230.
6. Gibb, H. A. R. and Harold Bowen. *Islamic Society and the West*. 2 vols. London 1950-1957. See pages 281-295.

(لویی ماسینون) «انتخابات کار در دمشق در ۱۹۲۷م»، در «کتاب پیروان المصلی جسمه شناسی» (۱۹۵۲م) ص ۲۴-۵۲.

تحولات ژرف سیاسی که در کشورهای عربی به وقوع پیوست نیز به همان اندازه دارای پیامدهای منفی برای اصناف بود. اصلاحات اتخاذ شده توسط برخی کشورها (مصر در دوره محمدعلی و بعداً در تونس) بر آن بود تا دستگاه دولت را نرساند، نماینده تیبهاش آن بود که اصناف به تدریج در جایی که مربوط به وظایف اداری بود، بی فایده شدند. این امر خصوصاً در مورد وصول مالیاتها صادق بود، که به کارگزارهای متخصص را گذار شد.

مستمره شدن (الجزایر در ۱۲۴۶ق/۱۸۳۰م، تونس در ۱۲۹۸ق/۱۸۸۱م و مصر در ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م) نه تنها ساختارهای اداری و سیاسی جدیدی را تحمیل نمود بلکه همچنین نظامی اقتصادی را تحمیل کرد که اصناف مانع رشد آن بودند. اروپاییها تولید صنعتی و بخشهای اصلی بازرگانی را در اختیار گرفتند و از نیرو یا صنعتگران بومی رقابت نمودند؛ نتیجه آن که صنعتگران بومی به تولید کالاها سنتی محدود شدند که به عنوان قدیمی و از مد افتاده بدان نگر بسته می شد و در می یافتند که قادر به رقابت با تولیدات جدید نیستند. در تونس سازندگان شاشیه (نوعی گلاب) که در اوایل قرن نوزدهم ۲۰ هزار کارگر را به کار گرفته بودند، در حدود ۱۸۵۰م بیش از شش یا هفت هزار تن در حدود ۱۹۲۳م و هزار تن شاغل در این حرفه نداشتند (پنک، ۱۹۶۴م).

بنابراین اصناف به تدریج منحل گردیده و به تعداد اندکی از صنایع سنتی محدود گردید؛ و نیازی به انحلال رسمی آنها نبود. در قاهره حدود ۱۳۰۷ق/۱۸۹۰م که اقتصاد آزاد رسمیت یافت (بائر، ۱۹۶۶م) و خصوصاً هنگامی که شیخها دیگر مشرک عرضه نیروی کار نبودند، افول اصناف شتاب گرفت. تا همین اواخر چند صنف به حیات خود ادامه دادند ولی تا حد زیادی مهجور و صرفاً صادر به حساب می آمدند. در ۱۳۲۶ش/۱۹۴۷م یک روزنامه چاپ قاهره به نام «تخیلها»^۵ مصاحبه ای را با

1. Structure du travail a Damas 2. Cahiers internationaux de Sociologie 3. Penner 4. Baer
5. Images 6. Gaulmier

Pépoque ottomane. Paris 1965. See pages 129-133.

<شهرهای بزرگ عربی در عصر عثمانی>

16. Stern, Samuel M. "The Constitution of the Islamic City". In *The Islamic City*, edited by Albert Hourani and S. M. Stern, pp. 25-56. Oxford 1970.

<ساخت شهر اسلامی>

17. Toledano, Ehud R. *State and Society in Mid-Nineteenth-Century Egypt*. Cambridge 1990. See pages 206-213 and 227-230.

<دولت و جامعه در مصر، نیمه قرن نوزدهم>

18. Touati, Houari. "Les corporations des métiers à Alger à l'époque ottomane". *Revue d'Histoire Maghrébine* 47-48 (1987): 267-292.

<اتحادیه‌های صنفی الجزایر در عصر عثمانی>

/ آندره ریسموند

ترجمه از فرانسوی: مونیک فکتو /

اصول فقه. فقهای مسلمان عموماً اصول فقه را مجموعه‌ای از مبانی و روش‌شناسی اعتقادی تعریف می‌کنند که از طریق آن احکام عملی شرع از منابع ویژه آنها اخذ می‌شود. حوزه مربوط به آن را می‌توان با قلمرو حقوق در قانون انگلستان، چنانکه جان استین^۱ یا کارلتون آلن^۲ بحث کرده‌اند و نیز با قلمرو تفسیر قوانین مقایسه کرد. در بررسی اصول فقه مسئله مشروعیت احکام و این مطلب که چنین احکامی مبنای قطعی یا ظنی دارند، بیشترین اهمیت را دارد. بنا بر نظر اکثر فقهاء، احکامی با اعتبار ظنی در فقه معتبر می‌باشند، در صورتی که در کلام، باورها باید قطعی باشند.

مهمترین اصل یا شیخ قطعی قرآن است، زیرا سخنان خداوند است و از طریق تواتر به ما رسیده است. دومین منبع احکام، سنت است، یعنی گفته‌ها، اعمال، یا سیره پیامبر است. این اخبار، بر اساس وثوق و تعداد راویان می‌توانند قطعی یا ظنی تلقی شوند. اخبار متواتر قطعی تلقی می‌شوند؛ همچنین فقهای حنفی آن دسته را که معتبر ولی کمتر مشهورند قطعی می‌دانند؛ اما آن دسته از اخبار که

<جامعه اسلامی و غرب>

7. Lewis, Bernard. "The Islamic Guilds". *Economic History Review* 8 (1937): 20-37.

<اصناف اسلامی>

8. Muntran, Robert. *Istanbul dans la seconde moitié du XVIIe siècle*. Paris 1962. See pages 349-393.

<استانبول در نیمه دوم قرن هفدهم>

9. Massignon, Louis. "Les corps de métier et la cité islamique". *Revue Internationale de Sociologie* 26 (1930): 473-489.

<اتحادیه‌های صنفی و شهر اسلامی>

10. Massignon, Louis. "Enquête sur les corporations musulmanes d'artisans et de commerçants au Maroc". *Revue du Monde Musulman* 58 (1924).

<پژوهشی درباره اتحادیه‌های اسلامی پیشه‌وران و کسبه در مراکش>

11. Peacock, Pierre. *Les transformations des corps de métiers de Tunis sous l'influence d'une économie externe de type capitaliste*. Tunis 1964.

<تحولات اتحادیه‌های صنفی در تونس، متأثر از اقتصاد خارجی سرمایه‌داری>

12. Qoudfi, Elia. "Notice sur les corporations de Darnes". In *Actes du sixième congrès international des Orientalistes*, vol. 2, pp. 7-34. Leiden 1925.

<یادداشتی درباره اتحادیه‌های صنفی در دمشق>

13. Rafiq, Abdul-Karim. "Craft Organization, Work Ethics, and the Strains of Change in Ottoman Syria". *Journal of the American Oriental Society* 111 (1991): 495-511.

<سازمان صنایع دستی، اخلاق کاری و گرایشهای معطوف به تغییر و تحول در سوریه عثمانی>

14. Raymond, André. *Artisans et commerçants au Caire au XVIIIe siècle*. 2 vols. Damascus 1974. See pages 503-585.

<پیشه‌وران و کسبه قاهره در قرن هجدهم>

15. Raymond, André. *Grandes villes arabes à*

1. André Raymond

2. Monique Fecteau

3. USÛL AL-FIQH

4. John Austin

5. Carleton Allen